موضوع: بررسی حديث مدينه العلم

خلاصه مطالب بیان شده در مورد حدیث مدینه العلم

بحث در مراجعه 48 کتاب «المراجعات» بود. در این مراجعه مرحوم شرف الدین به درخواست شیخ سلیم بشری چهل حدیث که موید نصوص امامت امیرالمومنین (ع) و خصوصا آیه ولایت است را بیان کرده است.

روایت نهم حدیث مدینه العلم است: «أنا مدينة العلم و علي بابها، فمن أراد العلم فليأت الباب‏». حدیث دهم، حدیث دار الحکمه: «أنا دار الحكمة، و عليّ بابها» و روایت یازدهم، روایتی هم مضمون روایت مدینه العلم است «علي باب علمي، و مبيّن من بعدي لأمتي ما ارسلت به، حبه إيمان، و بغضه نفاق‏». حدیث دوازدهم نیز این روایت است: «أنت تبيّن لأمتي ما اختلفوا فيه من بعدي‏».

حدیث «مدینه العلم» به صورت مفصل در جلسات گذشته مورد بحث قرار گرفت. خلاصه آن مباحث چنین است:

1. ابتدا حدیث مدینه العلم در منابع شیعه مورد بررسی قرار گرفت. این روایت در منابعی همچون «بحارالانوار»، «غایه المرام»، «عمده العیون»، بطریق حلی، «الغدیر»، علامه امینی، «احقاق الحق» مرحوم شوشتری، «نفحات الازهار»، ج10 و 11 و 12 و منابع دیگر آمده است.

2. راویان این حدیث نیز در منابع شیعه عبارتند از: امیرالمومنین(ع)، امام مجتبی (ع)، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری و عبدالله بن عباس

3. سپس به بیان شواهد و مویدات این حدیث در منابع شیعه پرداخته شد. روایتی همچون «علمنی رسول الله الف باب من العلم» و «... لحکمه اهل التورات بتواتهم» و حدیث «اقضی امتی بعدی علی» و روایات مربوط به آیه شریفه «اذن واعیه» و غیره.

4. در ادامه به بررسی حدیث مدینه العلم در منابع اهل سنت پرداختیم. صحابه ای که این حدیث از آنها در این منابع نقل شده از این قرار بود: امیرالمومنین (ع)، امام مجتبی (ع)، امام حسین (ع)، عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله، عبدالله بن عمر، سلمان، عقبه بن عامر و ... . کتاب شواهد تنزیل حسکانی، ج1، ص 81- 84 و نفحات الازهار، ج10 ص 19 – 26 این ها را نقل کرده است. جمال الدین زرندی در کتاب «درر السمطین» می گوید: «هذه فضیله اعترف به الاصحاب و سلکوا طریق الوفاق و ابتهجوا» این فضیلتی است که اصحاب به آن اعتراف کرده اند.

5. تابعینی که در منابع اهل سنت این روایت را نقل کرده اند از این قرارند: امام زین العابدین(ع)، امام باقر (ع)، اسبغ بن نباته، ، حارث همدانی، سلمه ابن کهیل، اعمش، عبدالرحمان بن عثمان، مجاهد بن جبر و ... در نفحات الازهار، ج10، ص 27- 31، نام این اشخاص برده شده است.

6. علامه امینی در «الغدیر» و میر حامد حسین در «نفحات الازهار»، نام 151 نفر از عالمان اهل سنتی که در قرون مختلف این حدیث را نقل کرده اند آورده اند.

7. حدیث مدینیه العلم با متن های مختلف و تعابیر گوناگونی بیان شده که مورد بررسی قرار گرفت. این تعابیر هر چند مختلف هستند اما همه یک مضمون واحد را بیان می کنند.

8. در ادامه به بیان شواهد و مویداتی که در منابع اهل سنت درباره این حدیث آمده است پرداخته شد. مانند «انا مدینه الجنه و علی بابها» و «هذا علی عیبه علمی» و غیره.

9. تا اینجا سخن درباره متن حدیث و راویان آن بود. مساله بعدی که مورد بحث قرار گرفت، بررسی اعتبار حدیث بود. در این باره گفته شد با توجه به نقل های مختلفی که این حدیث دارد از نظر اعتبار، این حدیث را می توان متواتر معنوی دانست خصوصا با ضمیه شدن شواهد ومویدات، دیگر شکی در تواتر حدیث باقی نمی ماند. برخی از عالمان اهل سنت نیز به صحت این حدیث اذعان کرده اند، از جمله: بدخشانی، صدر العالم، سید محمد بخاری، قاضی سن الله، مولوی حسن زمان، صدیق غاری و ... برخی دیگر این حدیث را حسن دانسته اند از جمله: ابن حجر عسقلانی، شامی شهاب الدین، ابن حجر مکی، بدر الدین زرکشی، محمد بن طلحه شافعی، امیر حسین فوضی، زرندی، زین الدین خوافی و تعداد دیگری که 47 نفر از آنها در سال گذشته بیان شد.

10. بعد به دیدگاه مخالفان این حدیث رسیدیم که از جمله آنها ابن جوزی و ابن تیمه بودند. سخن آنان و نادرستی آن به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

11. در ادامه به سخن صدیق غماری رسیدیم. وی در صدد اثبات این حدیث بر آمده و در کتاب فتح الملک العلی، به روش هایی مختلفی صحت آن را اثبات کرده است.

12. سپس نوبت به بررسی شبهاتی رسیدیم که در مورد حدیث بیان شده است. این شبهات از کتاب فتح الملک العلی، و جواب وی به آنها بیان شد.

یکی از شبهات، درباره مذهب هروی بود که به خاطر شیعه بودن، این حدیث را نپذیرفته بودند. صدیق غماری به صورت عالمانه اثبات کرد که مذهب قادح نیست و آنچه در اعتبار حدیث لازم است دو چیز است: صدق و امانت در گفتار، و دیگر ضبط راوی است. ایشان سپس چند نظر را به صورت خاص نقل و نقد کرد.

برخی گفته اند اگر مذهب راوی شیعه باشد اما داعی به مذهب خود نباشد، کلامش پذیرفته می شود. صدیق غماری این سخن را نقد کرد و گفت: این شرط نیز در اعتبار روایت دخالتی ندارد، زیرا اگر راوی از نظر قول صادق و امین باشد و از نظر ضبط نیز قابل اعتماد باشد خواه داعی به مذهب خود باشند یا نباشد تاثیری ندارد. به همین خاطر، برخی از عالمان اهل رجال، روایات چنین افرادی را نقل کرده اند، که از جمله آنها بخاری و مسلم است که به سخن برخی از کسانی که داعی به مذهب خود بوده اند احتجاج کرده اند.

برخی دیگر گفته اند به شرطی روایت شیعه پذیرفته می شود که روایت نقل شده موید مذهب او باشد و الا پذیرفته نمی شود. صدیق غماری این شرط را رد کرده می گوید: این شرط از دسیسه های نواصب است تا فضایل امیرالمومنین (ع) نقل نشود. آنان اول گفتند راوی نباید شیعه باشد، بعد گفتند نباید روایت وی موید مذهب او باشد و به این طریق هر روایتی که در باب فضایل امیرالمومنین (ع) آمده است را رد کرده اند.

وی می گوید اگر این شرط را بپذیریم در این صورت باب نقل روایت از مذاهب دیگر بسته می شود، زیرا بالاخره هر راوی مذهبی دارد و طبق این شرط باید بیشتر روایات آنان کنار گذاشته شود.

شبهه دیگر در مورد اتهاماتی است که بر هروی وارد شده است . صدیق غماری این اتهامات را رد کرده و می گوید ابن حجر وی را صدوق دانسته و سخن مخالفین، سخنی افراطی است. ثانیا اینکه گفته شده وی حدیث منکر را نقل کرده صحیح نیست زیرا روایت منکر ویژگی هایی دارد از جمله اینکه آن روایت با اصول و محکمات عقلی و نقلی مخالف باشد، در حالی که هیچ کدام از این ویژگی ها در روایت او وجود ندارد.

آنچه تا اینجا بیان شد گزارشی در مورد روایت از جهت متن و سند بود. اکنون نوبت به بررسی مفاد و مدلول حدیث می رسد که انشاء الله در جلسه آینده دنبال می کنیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد